

بررسی ظرفیت‌های حقوقی در واکنش به فاجعه منا*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۲/۱۰

تاریخ تأیید: ۱۳۹۵/۴/۲۷

امیرساعد وکیل**



بررسی ظرفیت‌های حقوقی در واکنش به فاجعه منا

پس از وقوع فاجعه منای سال ۱۳۹۴ و جان باختن حدود پانصد نفر از حجاج ایرانی، احقاق حقوق بازماندگان قربانیان از بحث‌های قابل توجه به شمار می‌آید. از این رو، در مقاله پیش رو، پس از بازخوانی ماهیت فاجعه منا در آیین حقوق، به روش‌های مطالبه حقوق بازماندگان قربانیان این حادثه با توجه به ظرفیت‌های حقوق بین‌الملل، حقوق جمهوری اسلامی ایران و حقوق عربستان پرداخته‌ایم. در ارزیابی واقع‌بینانه احقاق حقوق بازماندگان و خانواده قربانیان، مبتنی بر ظرفیت‌های حقوق داخلی و حقوق بین‌الملل است. از این رو، حقوق بازماندگان قربانیان فاجعه منا در چند عرصه قابل پی‌گیری خواهد بود: از طریق توسل به ظرفیت عهدنامه مودت ۱۳۰۸ میان ایران و سرزمین حجاز، توسل به کنوانسیون ۲۰۰۳ یونسکو درباره صیانت از میراث فرهنگی ناملموس جهانی و نیز استناد به قانون شبه جرم خارجیان در آمریکا که مورد نقض حقوق بشر در فاجعه منا، تخلف از حقوق بین‌الملل عرفی است.

کلیدواژگان: فاجعه منا، حقوق بین‌الملل، حقوق بشر، دولت عربستان، جمهوری اسلامی.

* این مقاله در قالب همایش بررسی ابعاد سیاسی - حقوقی فاجعه منا که از سوی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی (پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی) برگزار خواهد شد، تهیه و تدوین شده است.

** استادیار دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه.

مقدمه

در عید قربان سال ۱۳۹۴ و هنگام برگزاری مراسم حج، در جریان حرکت حجاج به سمت سرزمین منا برای ادای فریضه جمرات (سنگ زدن به شیطان) و مناسک قربانی کردن احشام، سیل عظیمی از مردم در مسیرهای پیچ در پیچ در حال حرکت به سوی منا بودند. به واسطه تدابیر امنیتی اتخاذ شده برای ادای اعمال حج از سوی وزیر دفاع کشور عربستان (فرزند پادشاه عربستان) به همراه ۱۵۰ نیروی نظامی و ده‌ها وسیله نقلیه، خیابان‌های محل تردد حجاج برای عزیمت به سوی منا از سوی نیروهای امنیتی مسدود شد. فشار ناشی از ازدحام جمعیت زائرانی که از خیابان ۲۲۳ به سمت خیابان ۲۰۴ در حال حرکت بودند، افزون بر شتاب‌زدگی، تعدادی از افراد گرفتار در این ازدحام که قصد عبور از مجاری باریک و اندک موجود را داشتند، سبب شد عده‌ای به ناچار از روی دیگران عبور کنند و تعداد قابل توجهی به دلیل زیر دست و پا ماندن و عدم مراقبت‌های پزشکی جان ببازند. (yadamoozan.com/29/5/2016) و عده‌ای نیز به لحاظ عدم دسترسی به موقع به مراقبت‌های پزشکی جان ببازند.

چنانچه این فرض را در نظر داشته باشیم که تدابیر امنیتی نابه‌جای مقامات عربستان و سوءمدیریت حرکت کاروان‌ها به سوی سرزمین منا هم‌زمان با ادای اعمال حج وزیر عربستان، در کنار عدم تدارک مراقبت‌های پزشکی کافی و به موقع به مصدومان این حادثه، به بروز فاجعه دلخراش منا و کشته شدن چند هزار نفر از زائران انجامید که حدود پانصد نفر از آنها ایرانی بودند، اکنون باید دید بر اساس ظرفیت‌های حقوق داخلی و حقوق بین‌الملل، چه راهکارهایی برای احقاق حقوق بازماندگان و خانواده‌های قربانیان قابل توصیه است.

بدون تردید اعمال هر یک از راهکارهای یادشده، مستلزم ارزیابی واقع‌بینانه از امکانات و واقعیت‌های عینی و عملی موجود در صحنه روابط بین‌الملل و جایگاه جمهوری اسلامی ایران در صحنه تعاملات دوجانبه و چندجانبه در مناسبات منطقه‌ای و همچنین درون سازمان‌های بین‌المللی مربوط است. از این رو، در این نوشتار می‌کوشیم ظرفیت‌های حقوقی موجود را در حقوق بین‌الملل، حقوق ایران و حقوق عربستان به طور جداگانه بررسی کنیم.

بازخوانی ماهیت فاجعه منا در آینه حقوق

گام مقدماتی برای هر اقدام حقوقی و پیگیری قضایی، چه در سطح داخلی و چه در سطح بین‌المللی، دسترسی به ادله و مدارک و مستندات است که در پیشگاه قانون و مرجع



رسیدگی به اختلاف، مبنای صدور حکم قرار می‌گیرد. هرچند بار سنگین عاطفی که بر دوش وجدان عمومی در این فاجعه تحمیل شد، واکنش‌های بسیاری را برانگیخت، راهکارهای حقوقی باید به‌دور از هیجان و احساسات ارزیابی و با توجه به شرایط واقعی موجود، درباره آن تصمیم‌گیری شود.

عربستان علت این واقعه را قضا و قدر الهی دانسته است؛ حال آنکه در ایران عده‌ای آن را مبتنی بر عمد مقامات عربستانی و گروهی ناشی از بی‌مبالاتی آنان تعبیر می‌کنند. اگر بررسی‌های قضایی حکایت از آن کند که حادثه منا در اثر قضا و قدر الهی روی داده است، مبنایی برای مسئول دانستن دولت عربستان وجود نخواهد داشت. به تعبیر حقوقی، امری خارجی، بیرون از کنترل و پیش‌بینی‌ناشدنی رخ داده که متعهد را از ایفای تکالیفش معاف می‌دارد (Kristle, 2010, p325-362).

مسئولیت بین‌المللی دولت عربستان در فاجعه منا

نهاد مسئولیت بین‌المللی، مترادف با الزام به جبران خسارات وارده به تابعان حقوق بین‌الملل است که این خسارت ممکن است در اثر یک عمل متخلفانه بین‌المللی و با ترک فعل رخ داده باشد (Crawford, 2002, p77-80). شروط تحقق مسئولیت بین‌المللی بر اساس طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل درباره مسئولیت دولت‌ها مورخ سال ۲۰۰۱ عبارت است از: نقض تعهد بین‌المللی، قابلیت انتساب عمل متخلفانه یادشده به یک دولت، و وجود رابطه سببیت میان نقض تعهد و ورود زیان (Ibid).

بر اساس بند دوم ماده ۷ و ماده ۸ طرح مذکور اعمال اشخاص خصوصی که از سوی دولت نمایندگی داشته‌اند یا در سمت نماینده دولت اقدام کرده‌اند، قابل انتساب به دولت است. همچنین مطابق حقوق بین‌الملل، اقدامات هر یک از اجزای دولت که بخشی از تشکیلات رسمی نیستند، ولی به موجب قوانین داخلی از صلاحیت اعمال پاره‌ای از اختیارات دولتی برخوردارند، عمل آن دولت شمرده می‌شود. با توجه به این ملاحظات، اگر قائل شویم که رفتار مقامات امنیتی و مقامات پزشکی در مجموع عامل بروز فاجعه منا گردید، مسئولیت دولت عربستان در خصوص جبران خسارت از لطمات مادی و معنوی وارده به کشته‌شدگان این واقعه قابل توجیه خواهد بود. به‌طور کلی از رویه دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه لاگران (ICJ Reports, 2001, p148) بین آلمان و ایالات متحده و همین‌طور قضیه آونا (Ibid, p21) بین مکزیک و ایالات متحده چنین برمی‌آید که دولت متبوع افرادی که حقوقشان در سرزمین دولت خارجی نقض شده است، می‌تواند





علیه دولت خاطی اقامه دعوا کند و در هر دو قضیه یادشده، آمریکا ناقض حقوق شهروندان آلمانی و مکزیکی شناخته شد.

بررسی فاجعه منا از منظر حقوق بشر

ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر مقرر می‌دارد: «هر فردی مستحق حیات، آزادی و امنیت فردی است». این ماده بدون هیچ قید و شرطی و به‌اطلاق به حق حیات، امنیت و آزادی افراد اشاره کرده و آن را به رسمیت شناخته است. همین مقرر می‌تواند بیانگر تکلیف دولت عربستان به تأمین حق حیات و امنیت زائران بیت الله الحرام باشد. همین‌طور می‌توان به ماده ۱۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر اشاره کرد که ناظر بر آزادی اجرای مراسم دینی است. باید چنین استدلال کرد که نگرانی‌های ناشی از سوءمدیریت مناسک حج سبب شده در اجرای آزادانه مراسم دینی در موسم حج موانعی ایجاد شود و کارشکنی‌های عربستان در اعزام کاروان زائران ایرانی در سال ۱۳۹۵ نیز مؤید همین مطلب است.

میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶ نیز طی ماده ۹ و ماده ۱۸ به ترتیب موضوع امنیت شخصی و آزادی اجرای آداب و اعمال مذهبی را اشعار می‌دارد. به‌علاوه، بند الف ماده ۲ اعلامیه اسلامی حقوق بشر می‌گوید: «زندگی موهبتی است الهی و حقی است که برای هر انسانی تضمین شده و بر همه افراد و جوامع و حکومت‌ها واجب است از این حق صیانت و در برابر هر تجاوزی علیه آنها ایستادگی کنند». بند ج همین ماده، پاسداری از تداوم حیات بشریت را تا جایی که خداوند مشیت کند، تکلیفی شرعی می‌داند. در ضمن بند د اعلامیه قاهره بیان می‌کند: «حرمت جنازه انسان باید حفظ شود و بی‌احترامی به آن جایز نیست؛ چنان که لمس آن مگر با مجوز شرعی مجاز نمی‌باشد». ماده ۴ اعلامیه اسلامی حقوق بشر نیز وظیفه صیانت از پیکر هر انسان را از تعهدات دولت و جامعه دانسته است.

دولت عربستان با پذیرش اتباع ایرانی و دیگر خارجی‌ان در سرزمین خود، ملزم به رعایت یکسری استانداردهای حداقلی بین‌المللی ناظر بر رفتار با خارجی‌ان است. در تبیین تکالیف عربستان در قبال خارجی‌انی که در سرزمین آن هستند، از جمله می‌توان به اعلامیه حقوق بشر افرادی که تبعه کشور نیستند، مصوب مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۹۸۵ اشاره کرد که حقوق بشر خارجی‌انی را که به‌طور قانونی در قلمرو دولت پذیرنده به‌سر می‌برند، تضمین می‌کند (UN Doc, 1985).

روش‌های مطالبه حقوق بازماندگان و وابستگان قربانیان فاجعه منا از منظر حقوق بین‌الملل

مراجعه به دیوان بین‌المللی دادگستری یکی از نخستین احتمال‌هایی است که به ذهن متبادر می‌شود. با فرض اینکه بتوان سبب دعوای مشخصی ارائه کرد و دولت عربستان ناقض تعهد بین‌المللی خاصی در قبال ایران یا اتباع ایرانی شناخته شود تا بستری را برای اقدام ایران در این دیوان در چارچوب حمایت دیپلماتیک - مشروط به رعایت شرایط اعمال آن، نظیر عدم تغییر تابعیت و طی همه مراحل جبران خسارت داخلی - فراهم سازد (Leys, 2015, p1-14)، همچنان وجود مبنای اعمال صلاحیت دیوان در رسیدگی به اختلاف‌های میان ایران و عربستان، نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا خواهد کرد.

اختیار دیوان بین‌المللی دادگستری برای ورود به اختلاف بین دو کشور، یا باید بر توافق قبلی یا بعدی دو کشور برای ارجاع اختلاف‌های خود به آن نهاد بین‌المللی مبتنی باشد یا اینکه در چارچوب صلاحیت ضمنی یا عملی، عربستان در برابر دادخواست ایران نزد دیوان بین‌المللی دادگستری، مبادرت به طرح ایرادهای صلاحیتی نکند و با طرح دفاعیات خود در امور ماهوی قضیه، عملاً صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری را در رسیدگی به موضوع به رسمیت بشناسد (Pouliot, 2008, p28-40).

ابتدا خاطر نشان می‌کنیم با توجه به اینکه عربستان پروتکل اختیاری پذیرش صلاحیت اجباری دیوان بین‌المللی دادگستری را به پیوست کنوانسیون ۱۹۶۱ مربوط به روابط دیپلماتیک، و کنوانسیون ۱۹۶۳ در خصوص روابط کنسولی را امضا نکرده است، مبنایی برای صلاحیت دیوان در این چارچوب برای ارجاع اختلاف نمی‌توان یافت.

دیوان بین‌المللی کیفری مطابق ماده ۵ اساسنامه رم برای رسیدگی به جنایات نسل‌زدایی، جنایات جنگی، جنایات علیه بشریت و تجاوز ارضی صلاحیت دارد. با فرض اینکه بتوانیم به تحقق عناصر مجرمانه جنایات علیه بشریت یا نسل‌زدایی قائل شویم، از آنجاکه دولت عربستان به عضویت دیوان بین‌المللی کیفری درنیامده است، در این حالت، صلاحیت این دیوان در دو حالت متصور خواهد بود: حالت اول اینکه، به موجب بند ب ماده ۱۳ اساسنامه، شورای امنیت سازمان ملل متحد با تشخیص این احتمال که یکی از جنایات تحت صلاحیت دیوان یادشده رخ داده است، مورد را در چارچوب صدور یک قطعنامه فصل هفتمی منشور به دادستان دیوان ارجاع دهد. حالت دوم نیز مستند به شق ج بند اول ماده ۱۵ اساسنامه است که دادستان دیوان بین‌المللی کیفری اختیار شروع تحقیقات را رأساً پیدا کرده است.





نمونه‌هایی در حقوق بین‌الملل دیده می‌شود که به لحاظ حساسیت‌های خاص موضوع از منظر ملاحظات عمومی جامعه بین‌المللی، دخالت کشورهای متعدد به‌عنوان مجرم یا مجنی علیه، دسترسی مناسب‌تر به ادله و مدارک مثبت، عدم توانایی یا تمایل نظام قضایی کشور مربوطه برای اجرای عدالت، وجود احتمال برخوردهای تبعیض‌آمیز و عدم طی فرایندهای دادرسی عادلانه و غیره، شکل‌گیری نهادهای قضایی موردی یا اختصاصی با ماهیت بین‌المللی، مختلط و یا داخلی را توجیه‌پذیر ساخته است که برای نمونه، می‌توان به موضوع تشکیل دیوان بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق یا رواندا یا کامبوج و یا قضیه ترور رفیق حریری اشاره کرد (Nagan, 1995, p127-166).

اقدامات دولت عربستان بر ضد ایران و اعدام، تعرض و توهین اتباع ایرانی به دلایلی مانند مذهب، و نیز نشانه‌هایی از عدم توسعه‌یافتگی و استقلال نظام قضایی آن کشور، همگی از جمله نشانه‌هایی است که در صلاحیت دادگاه‌های داخلی عربستان برای محاکمه عوامل وقوع فاجعه منایجاد تردید می‌کند و ممکن است توجیه‌کننده تشکیل مراجع رسیدگی اختصاصی در قالب دیوان‌های بین‌المللی و شبیه آن باشد؛ به‌ویژه که قربانیان این حادثه مرکب از اتباع حدود بیست کشور دنیا هستند.

در کنار آنچه گفتیم، در چارچوب ظرفیت‌های سازمان‌های بین‌المللی نیز می‌توان راهکارهایی پیدا کرد:

اول اینکه، بند سوم ماده ۲ اساس‌نامه سازمان همکاری اسلامی به تعهد حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلاف‌های میان اعضا قائل شده و هرچند دادگاه عدل اسلامی به‌عنوان یکی از ارکان این سازمان هنوز فعال نشده است، بر اساس مواد ۲۷ و ۲۸ همین سند تأسیس، اختلاف‌هایی که مضر به امت اسلامی و حفظ صلح و امنیت بین‌المللی تشخیص داده شود، باید از طریق مساعی جمیله، مذاکره، تحقیق، میانجی‌گری، آشتی، داوری و رسیدگی قضایی حل و فصل گردد.

دوم اینکه، ماده ۲ کنوانسیون حفاظت از میراث فرهنگی ناملموس مصوب ۲۰۰۳ رفتارها یا فضاهای فرهنگی را که گروهی از مردم آن را جزئی از میراث فرهنگی خود می‌دانند، مورد حمایت قرار داد که به‌یقین حج به‌عنوان یک آیین مذهبی در این شمار قرار می‌گیرد و ماده ۲۳ کنوانسیون یادشده، به درخواست کمک بین‌المللی برای حفاظت از آن قائل شده است که همین می‌تواند مبنای درخواست کشورها برای مدیریت بین‌المللی حج باشد. تأکید می‌گردد که مواد ۱۹ و ۲۰ آن کنوانسیون در جایی که نفع مشترک بشریت

وجود دارد، تعهد همکاری را برای صیانت از آن میراث فرهنگی ناملموس به رسمیت شناخته است. در این چارچوب اساس نامه یونسکو در شق دوازدهم بند ب ماده ۱۲ صلاحیت ارائه نظریه مشورتی درباره مسائل حقوقی واقع در قلمرو فعالیت‌های یونسکو را یادآور شده و همچنین در ماده ۸ اساس نامه یونسکو، تعهد دولت‌ها به ارائه گزارش درباره تدابیر اتخاذ شده در خصوص کنوانسیون‌ها، از جمله کنوانسیون ۲۰۰۳ می‌تواند مورد عمل قرار گیرد.

سوم اینکه، بند هشتم ماده ۲ اساس نامه سازمان جهانی بهداشت، دولت‌ها را ترغیب می‌کند که تدابیر خاصی را به منظور جلوگیری از خسارت‌های ناشی از سوانح در پیش گیرند و در همین راستا طی مواد ۷۵ و ۷۶ اساس نامه سازمان یادشده، صلاحیت ترفافی و مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری در این موضوع به رسمیت شناخته شده است.

نکته پایانی اینکه، چنانچه بتوان مبنای حقوق بشری برای اقدامات متخلفانه رخ داده در فاجعه مناکا، طرح موضوع، چه بر پایه ماده ۴۰ میثاق حقوق مدنی و سیاسی که کمیته حقوق بشر می‌تواند خواستار ارائه گزارش در موضوع شود و متعاقب آن، دیگر دولت‌ها ملاحظات خود را درباره آن گزارش ارائه دهند، و چه در جریان عملکرد جاری شورای حقوق بشر سازمان ملل که هم صلاحیت بررسی گزارش‌های ادواری جهانی را دارد، و هم امکان نصب گزارشگر موضوعی که اعمال نوعی مدیریت بین‌المللی مناسک حج تلقی می‌شود، قابل ذکر است.

لازم به یادآوری است در کنار اختیار توسل به اقدامات متقابل علیه دولت خاطی که به موجب مواد ۴۹ تا ۵۳ طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل در سال ۲۰۰۱ درباره مسئولیت دولت‌ها به رسمیت شناخته شده است (Enzo, 2001, p889-916)، درخواست توصیه شورای امنیت به حل و فصل اختلاف در چارچوب قطعنامه‌های فصل ششمی منشور ملل متحد یا درخواست تشکیل کمیته حقیقت‌یاب در مجمع عمومی سازمان ملل نیز از جمله اقدامات دیپلماتیک در نظام ملل متحد خواهد بود که ظرفیت آن، به‌طور کلی در حقوق بین‌الملل پیش‌بینی شده است. همچنین فعالیت‌های سازمان‌های غیردولتی در تعامل با نهادهای بین‌المللی و فعال ساختن سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی، مانند سازمان عفو بین‌الملل، دیده‌بان حقوق بشر و کمیته بین‌المللی صلیب سرخ به‌منظور تهیه گزارش‌هایی که به موضوع می‌پردازد، نقش مفیدی بازی خواهد کرد (Baird, 2015, p1-37).





روش‌های مطالبه حقوق بازماندگان قربانیان فاجعه منا از منظر حقوق جمهوری اسلامی ایران بر اساس ماده ۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ هر گاه شخص خارجی در خارج از قلمرو ایران، مرتکب جرمی علیه یک ایرانی گردد و در ایران یافت یا به ایران اعاده شود، امکان رسیدگی به جرم او مطابق قوانین ایران وجود دارد. اگر فرض کنیم دولت عربستان یا مقامات امنیتی و انتظامی آن، مرتکب جرمی علیه اتباع ایرانی در فاجعه منا شده‌اند، چنانچه هر یک از مجرمان در ایران پیدا شوند یا به ایران مسترد گردند، می‌توان آنها را در دادگاه‌های ایران محاکمه کرد. بدین ترتیب، شرط اول، احراز وقوع جرم از سوی مقامات عربستانی است و شرط دوم این است که مجرمان یادشده در ایران پیدا شوند یا به ایران استرداد گردند. شایان ذکر است هیچ کشوری به استرداد اتباع خود به کشور خارجی متقاضی استرداد متعهد نیست و مطابق ماده ۲۴ دستور ملوکانه ملک فهد در سال ۱۹۹۲ استرداد منوط به وجود موافقت‌نامه یا با رعایت قانون است. افزون بر اینکه به موجب مقررات معاهده ۱۹۵۲ قاهره در خصوص اجرای احکام خارجی صادره میان دولت‌های عضو اتحادیه عرب که دولت عربستان نیز به عضویت آن درآمده است، استرداد اتباع متهم به کشورهای دیگر از سوی هر یک از دولت‌های عضو منوط به صلاح دید مقامات دولت متبوع متهم است. ضمن اینکه پاره‌ای استدلال‌های حقوقی، بیش از آنکه جرایم ارتكابی را به مأموران عربستانی منتسب کنند، به انتساب این اعمال مجرمانه به دولت عربستان و احراز مسئولیت آن دولت قائل‌اند. نباید از نظر دور داشت که اگر وقایع فاجعه منا را حتی مبتنی بر بی‌مبالاتی بدانیم، مستند به مواد ۱۴۴ و ۱۴۵ قانون مجازات اسلامی، وقوع جرم محرز است و مسئولیت کیفری فردی بنا بر ماده ۱۴۱ همین قانون قابل تحقق خواهد بود. به هر حال، تحقیق در خصوص حضور متهم در ایران یا شروع فرایند استرداد مجرمان، مستلزم تشکیل پرونده در خصوص موضوع در دادرست و مستند به ماده ۳۱۶ قانون آیین دادرسی کیفری، دادرسی تهران می‌تواند متهم را تعقیب کند و در همین حد، صلاحیت برای شروع رسیدگی کفایت می‌کند. چنانچه اثبات وقوع جرم درباره این حادثه میسر باشد، با استناد به ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری، ضرر و زیان مادی یا معنوی وارد به بازماندگان و خانواده قربانیان یا منافع ممکن‌الوصولی که در آن مقرر است، قابل مطالبه خواهد بود.

راهکار دیگر قابل توجه، توسل به مقررات عهدنامه مودت ایران و دولت حجاز و نجد مورخ سال ۱۳۰۸ و معاهده ۱۹۸۳ ریاض در خصوص همکاری‌های قضایی میان دولت‌های عضو اتحادیه عرب است. در عهدنامه ۱۳۰۸ که معادل ۱۹۲۹ میلادی است،

نامی از دولت عربستان نیامده، ولی ملک عبدالعزیز، بنیان‌گذار حکومت آل سعود، منطقه حجاز را در سال ۱۹۲۴ تحت تصرف خود درآورده و شاه این سرزمین تلقی شده است. از این رو، اگر مباحث و استدلال‌های ناظر بر جانشینی دولت‌ها در معاهدات بین‌المللی، تسری مفاد این عهدنامه را به دولت عربستان توجیه کند (Craven, 1998, p142-162)، بند سوم این سند به اعمال شرط «کامله الوداد» در تمتع اتباع هر طرف از حقوق و مزایا در سرزمین دولت دیگر قائل شده است (Broude, 2010, p552-565). پادشاه حکومت حجاز، نجد و ملحقات آن متعهد شده با حجاج ایرانی از هر نظر مانند دیگر زائران خانه خدا رفتار کند و اجازه ندهد برای حجاج ایرانی در ادای مناسک حج و فرایض دینی آنها هیچ‌گونه مشکلاتی پدید آید و به تأمین وسایل امنیت، آسایش و اطمینان آنها متعهد شده است.

لازم به تطویل نیست که بر اساس ماده ۹ قانون مدنی ایران، مقررات عقود در حکم قانون تلقی شده و نقض آن به منزله نقض قانون داخلی است. از این رو، مستند به ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی، جبران خسارت‌های قابل مطالبه در دادگاه‌های ایران است که ظرفیت‌های مواد ۱۱ و ۱۶ قانون آیین دادرسی مدنی این اجازه را به ما می‌دهد. یکی از راه‌هایی که بر اساس ماده ۱۶ مبنای صلاحیت دادگاه ایران را تشکیل می‌دهد، معرفی خواننده‌های ایرانی همراه با خوانندگان خارجی است؛ زیرا طبق ماده یادشده، در صورتی که خوانندگان متعدد باشند، خواهان حق دارد از میان دادگاه‌های صالح متعدد، یکی را انتخاب کند و از آنجاکه محل اقامت خواننده ایرانی مثلاً سازمان حج و زیارت در ایران است، دادگاه محل اقامت این سازمان با استناد به ماده ۱۱ قانون یادشده صلاحیت رسیدگی به موضوع را خواهد یافت.

همچنین به موجب ماده ۱ قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولت‌های خارجی، به شرطی می‌توان دولت خارجی را خواننده دعوا قرار داد که مصونیت قضایی دولت جمهوری اسلامی ایران یا مقامات رسمی آن را پیش‌تر نقض کرده باشند و وزارت امور خارجه بر همین مبنا آن دولت را در فهرست دولت‌هایی که مصونیت قضایی آنها قابل نقض است، قرار داده باشد. فعلاً وزارت امور خارجه ایران، دولت عربستان را در این فهرست قرار نداده و از این رو، دولت عربستان یا نهادهای دولتی آن نمی‌توانند در دادگاه‌های ایران با عنوان خواننده دعوا قرار گیرند.

با توجه به مراتب فوق، چنانچه حکمی از دادگاه‌های ایران علیه هر یک از اشخاص





حقیقی یا حقوقی غیرحاکمیتی عربستان صادر شود، به استناد قید «کامله الوداد» و ماده ۳ عهدنامه ۱۳۰۸ امکان اجرای حکم پیش‌گفته در عربستان وجود دارد. کنوانسیون ۱۹۵۲ قاهره که عربستان از اعضای آن است، اجرای احکام صادره از دادگاه‌های دیگر کشورهای عضو را به رسمیت شناخته است. همچنین بر اساس کنوانسیون ۱۹۸۳ ریاض، دولت‌های عضو می‌پذیرند احکام صادره از مراجع قضایی هر یک از دولت‌های عضو دیگر مورد شناسایی قرار گیرد؛ مگر اینکه اجرای حکم، مخالف نظم عمومی، اخلاق و قانون اساسی کشور محل اجرای حکم یا به‌طور کلی برخلاف شریعت باشد.

بدین ترتیب، اگر تفسیر از قید «کامله الوداد» تسری حقوق و مزایای دیگر اتباع به اتباع ایرانی باشد، به‌طور خودکار، آرای صادره از دادگاه‌های ایران باید در دادگاه‌های عربستان مورد شناسایی و اجرا قرار گیرند. البته باید در نظر داشت که دادگاه‌های عربستان افزون بر موارد یادشده، عدم اطمینان به انجام رفتار متقابل از سوی دولت صادرکننده حکم را نیز از موانع شناسایی و اجرای حکم خارجی می‌دانند. به‌یقین فقدان روبه‌ای در این زمینه در ایران درباره احکام دادگاه‌های عربستان، می‌تواند مانع از اجرای حکم دادگاه ایرانی در آن کشور شود؛ چنان‌که دادگاه مظالم عربستان در سال ۱۹۹۲ تصمیم به عدم شناسایی حکم صادره از دادگاه انگلستان گرفت؛ چون روبه متقابل را از این کشور احراز نکرد.^۱ البته در حکم دیگری به استناد شهادت‌نامه‌ای که قضات امریکایی منضم به رأی کرده‌اند، اجرای احکام صادره از دادگاه‌های عربستان را متعهد شده‌اند و به همین دلیل، عربستان حکم صادره از دادگاه بخش کلمبیای ایالات متحده را قابل اجرا دانسته است.^۲ این موضوع نیز نباید مغفول واقع شود که به‌رغم ملاحظات گفته شده، چنانچه به هر دلیلی امکان شناسایی و اجرای حکم دادگاه ایرانی در عربستان نباشد، با رعایت شروط مقرر در قوانین دولت‌های ثالث در شناسایی و اجرای احکام خارجی، حکم صادره از دادگاه‌های ایران علیه منافع محکوم علیه در دولت‌های دیگر قابل اجرا خواهد بود. لازم به یادآوری نیست که چون در دعوای مطروحه در دادگاه‌های ایران، دولت عربستان و دیگر نهادهای حاکمیتی با عنوان خواننده قرار نگرفته‌اند، پس دفاع مصونیت نمی‌تواند به‌عنوان مانع شناسایی و اجرای حکم مورد استناد قرار گیرد.

۱. دیوان مظالم، حکم شماره ۴/د/ف/۲۰، مورخ ۱۹۹۲.

۲. دیوان مظالم، حکم شماره ۷۸/د/ف/۲۰، مورخ ۲۰۰۷.

افزون بر این موارد، بررسی ظرفیت‌های حقوقی موجود در تفاهم‌نامه میان سازمان حج و زیارت ایران و وزارت حج عربستان و دیگر مستندات تکمیلی و پیوست و سوابق و رویه‌های قبلی نیز در تبیین دامنه حقوق و تکالیف طرفین می‌تواند راهگشا باشد.^۱ بدون تردید در این چارچوب، ظرفیت‌های ناظر بر سازمان‌های بیمه‌گذار در داخل کشور نیز باید به مسئولیت خود عمل کنند؛ هرچند قصور سازمان حج و زیارت در این زمینه آشکار است که به‌رغم برگزاری مناسک حج در ماه‌های حرام^۲ که دیه کامل معادل ۲۲۰ میلیون تومان در سال ۱۳۹۴ معین گردیده، سقف مبلغ بیمه قابل پرداخت به زائران ایرانی در صورت ورود خسارات جانی و مالی به‌مراتب پایین‌تر از این مبلغ پیش‌بینی شده است.

روش‌های مطالبه حقوق بازماندگان و وابستگان قربانیان فاجعه منا از منظر حقوق عربستان

یکی دیگر از پیشنهاد‌های مورد توجه حقوق‌دانان، پیگیری موضوع در مراجع قضایی عربستان است که در بدو امر به نظر می‌رسد مجازات مجرمان یا جبران خسارت‌های وارده از این طریق عملی‌تر باشد. در این راستا دادگاه عمومی عربستان برای دریافت شکایات اتباع ایرانی علیه مقامات عربستانی و طرح دعوی جبران خسارت صلاحیت دارد که مطابق قرآن و سنت و نیز فرامین ملوکانه در خصوص مسائل مستحدثه، به آن رسیدگی خواهد شد. تفسیر قرآن و سنت در عربستان تحت‌تأثیر آموزه‌های مذهبی حاکم در آن کشور است و چون در مذهب حنبلی و قرائت وهابی‌ها هر نوع تقلید ممنوع و تنها اجتهاد مجاز است، نمی‌توان به سابقه و رویه قضایی واحدی در دستگاه قضایی این کشور دست یافت. افزون بر اینکه کشور عربستان فاقد قوانین مدون است و شاه این اختیار را داراست که با دستورات خود درباره همه مسائل مستحدثه، خط مشی خاصی را اعمال کند و حتی رویکرد حاکم قبلی را تغییر دهد (isna).

در برداشتی کلی، قابل پیش‌بینی است که دعوی کیفری در نظام حقوقی عربستان باید در دادگاه کیفری ویژه که در سال ۲۰۰۸ تأسیس شد، به عمل آید و البته عملکرد آن هم در سال‌های اخیر با انتقادهای فراوانی روبه‌رو بوده است. ماده ۱۷ قانون آیین دادرسی

۱. با وجود تحقیقات فراوان نویسنده، امکان دسترسی به متن تفاهم‌نامه و دیگر توافقات به عمل آمده میان سازمان حج و زیارت ایران و وزارت حج عربستان فراهم نشد.

۲. ماه‌های ذیقعد، ذیحجه، محرم و رجب ماه‌های حرام هستند که مطابق تقویم شمسی برابر ۳۱ فروردین تا ۲۹ اردیبهشت و ۲۵ مرداد تا ۲۱ آبان است.





کیفری عربستان حق طرح دعوای کیفری را برای زیان دیده، وراثت یا نماینده قانونی او به رسمیت شناخته و مواد ۲۲ و ۲۳ همین قانون با توبه و عفو پادشاه، امکان اختتام دعوای کیفری را از جنبه خصوصی آن پیش‌بینی کرده است.

راهکار دیگر قابل تصور در نظام حقوقی داخلی عربستان، اقامه دعوای اداری است که در هیئت تظلمات برای شکایت از دولت انجام می‌شود. البته ابهام‌های جدی در محتوای قانون اساسی این کشور و حیطة مورد پذیرش مفهوم حقوق بشر در آن، از موانع جدی طرح چنین دعوایی به شمار می‌آید.

آخرین راهکار متصور در نظام داخلی عربستان، اقامه دعوای مسئولیت مدنی است. اصولاً دعوای شبه جرم سه رکن دارد: عمل خلاف، ورود زیان و رابطه سببیت میان عمل و زیان (Owen, 2007, p1671-1688). مطابق نظام حقوقی جاری در عربستان، منظور از عمل خلاف، هر عمل ممنوع در مذهب است که عامل ورود زیان یا همراه با قصد ورود زیان باشد. زیان هم می‌تواند نتیجه مستقیم عمل خلاف یا نتیجه غیرمستقیم آن عمل باشد. به همین ترتیب، رابطه سببیت هم ممکن است مستقیم یا غیرمستقیم باشد. از این رو، برای اثبات هر ادعایی در این چارچوب باید این سه رکن ثابت شود.

با توجه به توضیحات قبلی ارائه شده، با توجه به تعصب فرهنگی موجود در پرونده‌های شبه جرم در عربستان و عدم انتشار آرای قضایی، تفاسیر موجود در نظام قضایی عربستان با ابهام‌های جدی روبه‌روست. از یک طرف، بر اساس مکتب حنفی و حنبلی در موقعیتی که فردی بتواند به زیان دیده کمک کند و این کار را انجام ندهد، مسئولیتی نخواهد داشت (Talbi, 2015, p93) و این موضوع، به‌ویژه زمانی در قضیه حاضر اهمیت می‌یابد که شنیده‌ها حکایت از آن دارد که عدم ارائه کمک‌های پزشکی و آبرسانی به مصدومان ظرف چند ساعت پس از وقوع حادثه، بر آمار کشته‌شدگان افزوده است و این در حالی بوده که مقامات عربستانی امکان کمک‌رسانی داشته‌اند. در مقابل، مذهب مالکی و شافعی که طرفدارانی در عربستان دارد، در چنین حالتی، به مسئولیت فرد بی‌مبالات و خاطی قائل‌اند (Ibid, p94). در اینجا باید افزود که مجمع عمومی در سال ۱۹۹۰ طی قطعنامه‌ای اذعان نمود که رها کردن قربانیان حوادث به حال خود، لطمه به کرامت انسانی شمرده می‌شود. کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز در نظریه تفسیری شماره ۱۴ خود در سال ۲۰۰۰ تأکید داشت حق معالجه شامل سامانه مراقبت پزشکی فوری در زمان بروز حوادث است.

به‌عنوان یک راهکار غیرقضایی هم می‌توان از «جامعه ملی حقوق بشر عربستان» که در سال ۲۰۱۰ با مأموریت نظارت بر عملکرد حقوق بشری عربستان تأسیس شد، مطالبه کرد که درباره بررسی قصورهای صورت گرفته در فاجعه منا گزارشی ارائه کند.

نتیجه

بی‌گمان گام اساسی در پیشبرد هر یک از راهکارهای حقوقی ذکرشده، تکمیل اطلاعات، مستندات و مواقع فاجعه بر پایه اطلاعات گردآوری شده از شاهدان عینی، گزارش‌ها و اظهارات رسمی مقامات عربستان و اخبار منتشرشده از سوی خبرگزاری‌های خارجی است. با عنایت به این واقعیت که عربستان عضو هیچ‌یک از اسناد بین‌المللی حقوق بشر، از جمله میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، و نیز میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیست و نه‌تنها به اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ رأی مثبت نداده، بلکه تنها کشوری است که در دوران معاصر بارها به‌طور علنی مخالفت خود را با مفاد این سند اعلام کرده است، حتی اگر به عرفی بودن محتوای حقوق مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر قائل باشیم، رویه این کشور در چارچوب مفهوم معترض لجوج، این تردید را پدید خواهد آورد که استناد مستقیم به مفاد این اعلامیه علیه عربستان تا اندازه محدودی معتبر خواهد بود و تنها تاجایی که مفاد اعلامیه جهانی حقوق بشر به قاعده آمره حقوق بین‌الملل تبدیل شده باشد، علیه این کشور قابل استناد است.

بدین ترتیب، با قطعیت بر این اعتقاد هستیم که استناد به سازوکارهای مبتنی بر قرارداد حقوق بشری، نظیر کمیته حقوق بشر علیه این کشور در این فاجعه راه به جایی نخواهد برد. همچنین، مفاد کنوانسیون‌های وین ۱۹۶۱ و ۱۹۶۳ درباره روابط دیپلماتیک و کنسولی در این موضوع قابلیت اجرا ندارد؛ چون عربستان پروتکل الحاقی پذیرش اختیاری صلاحیت اجباری دیوان بین‌المللی دادگستری را امضا نکرده است و از این‌رو، طرح دعوا بر مبنای کنوانسیون‌های یادشده بدون وجاهت حقوقی لازم است؛ مگر آنکه جمهوری اسلامی ایران درصدد برآید با اقامه دعوا در دیوان بین‌المللی دادگستری و امید به ورود عربستان به دفاع ماهوی در پرونده در چارچوب پذیرش ضمنی صلاحیت دیوان، راه به جایی ببرد و اگر هم چنین نشد، ایران از ظرفیت ناشی از ثبت دادخواست نزد دیوان بین‌المللی دادگستری اقدام به استفاده تبلیغاتی به نفع خود کند و در حکم تریبونی بین‌المللی برای بیان دیدگاه‌های خود از آن بهره جوید.

در گام بعد باید با توجه به واقعیت‌های عینی موجود در صحنه روابط بین‌الملل،





راهکارهایی را در دستور کار قرار داد که امید به حصول نتیجه در آنها بالاتر باشد. در این خصوص، به نظر می‌رسد توسل به ماده ۸ قانون مجازات اسلامی ایران چندان کارگر نخواهد بود؛ چون شرط پیدا شدن مجرمان در ایران یا استرداد آنها به ایران از سوی عربستان بسیار بعید خواهد بود.

همچنان که پیش‌بینی می‌شود شرایط لازم برای فعال ساختن صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری از سوی شورای امنیت دور از ذهن است و به نظر نمی‌رسد دادستان دیوان نیز رأساً به تحقیق در این زمینه بپردازد؛ به‌ویژه با توجه به مواضع قبلی ایران درباره قضیه عمر البشیر که از سوی دیوان بین‌المللی کیفری مورد تعقیب قرار گرفت، توسل به این راهکار می‌تواند با تبعات غیرمنتظره‌ای همراه باشد.

همچنین این احتمال بسیار ضعیف است که عربستان داوطلبانه حاضر شود دیوان بین‌المللی دادگستری صلاحیت رسیدگی به موضوع را به‌دست گیرد و اعمال شرط صلاحیت عملی نیز محتمل نیست.

به نظر می‌رسد مراجعه به مراجع قضایی عربستان با توجه به اوصاف نظام حقوقی و قضایی آن و عوامل فراحقوقی حاکم بر طرح این قبیل دعاوی، چندان چشم‌انداز روشنی از احقاق حقوق زبان‌دیدگان را به نمایش نمی‌گذارد.

به‌علاوه، جایگاه کنونی جمهوری اسلامی ایران در مناسبات بین‌المللی به‌گونه‌ای نیست که بتواند با جلب آرای اکثریت در مجمع عمومی، شورای حقوق بشر - که در حال حاضر تحت ریاست عربستان است - یا سازمان همکاری اسلامی، شرایط درخواست نظر مشورتی یا اقامه دعوای ترافیعی را از آن طریق در دیوان بین‌المللی دادگستری فراهم سازد.

بدین ترتیب، در رویکردی عمل‌گرایانه و واقع‌بینانه، به نظر می‌رسد پیگیری حقوق بازماندگان و خانواده‌های قربانیان فاجعه منا در سه جبهه قابل تعقیب خواهد بود:

اولاً، توسل به ظرفیت‌های عهدنامه مودت ۱۳۰۸ میان ایران و سرزمین حجاز و ظرفیت‌های ناشی از آن در نظام حقوق داخلی ایران بر پایه مواد قانون آیین دادرسی مدنی به ترتیبی که شرح آن بیان شد. گفتنی است هیچ‌یک از موافقت‌نامه همکاری عمومی ایران و عربستان و معاهده مودت میان این دو کشور، حتی اگر معتقد باشیم تعهد قرارداد مستقیمی در خصوص رعایت امنیت زائران ایرانی در مراسم حج ایجاد می‌کند، واجد شرط حل و فصل اختلاف نیست و بدین ترتیب، ایران نمی‌تواند در چارچوب این مقررات،

عربستان را ملزم به پاسخ‌گویی و جبران خسارت کند. ثانیاً، پیگیری موضوع مدیریت بین‌المللی حج از راه‌هایی همچون امکاناتی که در کنوانسیون ۲۰۰۳ یونسکو درباره صیانت از میراث فرهنگی ناملموس جهانی می‌توان دنبال کرد.

ثالثاً، استناد به قانون شبه‌جرم خارجیان در آمریکا که در موارد نقض حقوق بشر که تخلف از حقوق بین‌الملل عرفی به شمار می‌آید، امکان اقامه دعوا در دادگاه‌های آمریکا را علیه مقام سابق دولتی غیرآمریکایی و نه علیه خود دولت خارجی میسور ساخته و بدین ترتیب، خواهان‌های ایرانی می‌توانند وزیر سابق حج عربستان را خوانده این دعوا قرار دهند.



در پایان نباید از نظر دور داشت که بر اساس قراردادهای بیمه زوار که با شرکت بیمه ایران منعقد شده است، سقف بیمه قابل پرداخت در حوادث منجر به صدمه جسمانی معادل پانزده میلیون تومان و در حوادث منجر به فوت معادل چهل میلیون تومان است و از این رو، شرکت بیمه ایران اعلام کرده به خانواده‌های قربانیان معادل ۵۵ میلیون تومان پرداخت خواهد کرد. این در حالی است که مبلغ دیه کامل ۱۶۵ میلیون تومان است و در ماه‌های حرام، از جمله ۲۵ مرداد تا ۲۱ آبان ۱۳۹۴ به ۲۲۰ میلیون تومان بالغ می‌گردد.

منابع

- Kristle, Kenneth T (2010), "Diminishing the Divine: Climate Change and the Act of God Defense" *Widener Law Review*, vol. 15.
- Crawford, James (2002), "the International Law Commission's Articles on State Responsibility", Cambridge University.
- UN Doc. A/RES/40/144, 13 Dec (1985), "Declaration on the Human Rights of Individuals Who Are Not Nationals of the Country in Which They Live".
- Leys, David (2015), "Diplomatic Protection and Individual Rights: A Complementary Approach", *Harvard International Law Journal Online*, vol. 57.
- Vincent Pouliot (2008), "Forum Prorogatum Before the International Court of Justice", *Hague Justice Journal*, vol. 3.
- Nagan, Winston P. (1995), "International Criminal Law and the Ad Hoc Tribunal for Former Yugoslavia", *Duke Journal of Comparative & International Law*", vol.6.
- Cannizzaro, Enzo (2001), "The Role of Proportionality in the Law of International Countermeasures", *EJIL*, vol 12.
- Baird, Natalie (2015), "the Role of International Non-Governmental Organisations in the Universal Periodic Review of Pacific Island States: Can Doing Good Be Done Better?", *Melbourne Journal of International Law*, Vol. 16.
- C.R. Craven, Matthew (1998), "the Problem of State Succession and the Identity of States Under International Law", *EJIL*, vol. 9.
- Broude, Tomer (2010), *The Most-Favoured Nation Principle, Equal Protection, and Migration Policy*, George Town University Law Center.



- David G. Owen (2007), "the Five Elements of Negligence", *Hofstra Law Review*, vol 35.
- Talbi, Othman; (2015), *Tort Reform in Saudi Arabia: Obstacles and Solutions*.
- www.isna.ir/fa/news/94080502062.
- www.yadamoozan.com/1532/html, (seen on May 29, 2016).



